

سال‌های ترامپ

پیش از توفان تا چشم‌اندازی بر جهان پساترamp

۲۰۲۰-۲۰۱۰

ناصر فکوهی

اسناد انسان‌شناسی دانشگاه تهران

www.ketab.ir



آبی پارس

این کتاب بر اساس
تفاهم‌نامه همکاری میان
مؤسسه آبی پارسی با
انسان‌شناسی و فرهنگ
منتشر شده است.



ایالات متحده - سیاست و حکومت - ۹۰۰۲ م -	موضوع:	فکوهی، ناصر، ۱۳۳۵ -	میرشناسه:
United States — Politics and government — 2009-	موضوع:	سال‌های ترامپ: پیش از طوفان تا چشم‌اندازی بر	عنوان و نام پدیدآور:
ترامپ، دونالد — ۶۴۹۱ م - دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی	موضوع:	جهان پس‌از ترامپ ۲۰۱۰ - ۲۰۲۰ / ناصر فکوهی.	
Trump, Donald — Political and social views	موضوع:	تهران: مؤسسه آبی پارسی: انتشارات پل فیروزه، ۱۳۹۹.	مشخصات نشر:
ایالات متحده - سیاست و حکومت - ۲۰۰۹ - ۲۰۲۰ م	موضوع:	۳۱۸ ص، ۱۴×۲۱ سم	مشخصات ظاهری:
United States — Politics and government — 2009-2020	موضوع:	۹۷۸-۶۲۲-۷۴۶۴-۰۶-۱	شابک:
E۹۱۲	رده بندی کنگره:		وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
۹۳۳۹۷۳	رده بندی دیویی:		
۷۳۳۶۰۰۴	شماره کتابشناسی ملی:		

سال‌های ترامپ

پیش از طوفان تا چشم‌اندازی بر جهان پس‌از ترامپ

۲۰۲۰-۲۰۱۰

ناصر فکوهی؛ استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران

مؤسسه آبی پارسی

چاپ یکم: ۱۴۰۰
شمارگان: ۴۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۶۴-۰۶-۱
آماده‌سازی فنی: مؤسسه آبی پارسی
صفحه‌آرایی: بهمن لطفی
چاپ و صحافی: پردیس دانش
طرح جلد: آتلیه آبی پارسی

نشانی: تهران - خیابان پاسداران - بوستان دوم - پلاک ۲۷ - طبقه اول/کدپستی: ۱۶۶۴۶۶۵۱۱۱/تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۹۶۱۴۸/وبسایت: pbinsstitute.ir

بازنشر این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، نیاز به دریافت اجازه رسمی و مکتوب از ناشر دارد.

فهرست

پیشگفتار

۷

فصل اول: پیش از توفان؛ بوش، اوپاما، ترامپ

۱۹

پایان یک کابوس؟

۲۳

جنسیت در برابر نژاد

۲۷

اوپاما: «معجزه سیه» در «کاخ سفید»؟

۳۳

انتخابات ۲۰۰۸ در آمریکا

۳۵

سپتامبر در قابِ نمایش

۳۹

آینده خاورمیانه یا آینده جهان

۴۵

مریخی‌های وال استریت

۵۱

مرثیه‌ای برای یک «هیولا»

۵۵

کدام «بهار عرب»؟

۶۱

دموکراسی جنگی یا افسون دیوانه‌وار بدن‌ها!

۶۵

تجدید رابطه با آمریکا: تهدید فرصت‌ها؟

بر سر دوراهی: جنگ طلبی تمام‌عیار یا

۷۱

میلیاردی کلاهبردار؟

۷۵

بیلان دلسردکننده باراک اوپاما

۷۷

پایان یک امپراتوری

۸۱

چرا اقلیت‌ها وزن‌ها ممکن است به کلینتون رأی ندهند؟

فصل دوم: مصائب توفان

- ۸۷ فاجعه‌ای برای امریکا، مصیبتی برای جهان
۸۹ چرا ترامپ به کاخ سفید رسید؟
۹۳ سیاست داخلی: پیش به سوی نوامیدی مطلق؟
۹۵ سیاست خارجی: پیش به سوی اغتشاش بزرگ؟
۹۷ پایان امریکا؟

امید همه فاشیست‌ها داغ ننگ بر دموکراسی

- ۱۰۳ «ساخت امریکا»
۱۰۵ نامه‌ای به یک فاشیست
۱۱۵ ترامپ در قدرت: بازگشت فاشیسم
۱۳۳ گاو وحشی در چینی فروشی!
۱۴۵ نگاه اجمالی به ژنوپلیتیک کرونا و امریکای ترامپ
۱۴۹ فروپاشی یا نوزایی: امریکا در انتظار سرنوشت خویش
فصل سوم: ایران در برابر تندباد

- ۱۹۵ تندروهای ما در بازی ترامپ
۲۰۵ جهان در برابر ترامپ: انتخاب ایران چه بایده باشد؟
دام مثلث ترامپ، بولتون، نتانیاهو برای
جهان و مسئولیت ما
۲۲۱ ترامپ‌پسِم ایرانی
۲۳۱ مذاکره یا نمایش ترامپ
۲۴۱ فاجعه‌ای برای امریکا، مصیبتی برای جهان
۲۴۷ واکنش به امریکای ترامپ
۲۵۱ آیا هیولا به قفس باز خواهد گشت؟
۲۸۳ مهاجران ایرانی و ترامپ

پایان سخن

خانه‌ای که ویرانی‌اش آشکار شد: چشم‌اندازی

- ۲۸۹ بر جهان پساترامپ
۳۰۱ منابع
۳۰۵ نمایه

پیشگفتار

چرا ترامپ به قدرت رسید؟

سخن گفتن از «فاشیسم» برای کشوری چون آمریکا بسیار غریب می‌آید. گرچه همین کشور به همراه محققین فاشیسم اروپایی را هفتاد سال پیش از میان برداشت، امروز بزرگ‌ترین قدرت مهاجم و سلطه‌گر مخرب دموکراسی در جهان به شمار می‌آید. اما در سراسر کتاب باید دو نکته را مدنظر داشت: فاشیسم یک معنای خاص دارد و آن نظام حکومتی و حزبی به همین نام در ایتالای دوران موسولینی^۱ و متحد آلمان نازی است و معنای دیگرش تمام اشکال حکمرانی و گرایش‌ها و احزاب سیاسی است که بر گروهی از شاخص‌ها با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. مهم‌ترین این شاخص‌ها کیش شخصیت برای یک شخصیت کاریزماتیک و ضددموکراتیک است که نهادهای دموکراسی را تخریب و استبداد فردی و مبتنی بر ایدئولوژی حزبی خشونت‌بار را جایگزین آن‌ها کند. ضدیت با پارلمانتاریسم و روشنفکران، با دانشگاه و دانشگاهیان، با هنر غیرایدئولوژیک، دفاع از یک ایدئولوژی ملی‌گرایانه تندرو و یا نژادپرستی و باور داشتن به سلسله‌مراتبی بودن انسان‌ها و فرهنگ‌ها از دیگر مشخصات این شکل از حکومت یا گرایش سیاسی است. فاشیسم نامی عام برای اشاره به احزاب

1. Benito Mussolini

و حکومت‌های توتالیتار اروپای غربی در فاصله دو جنگ جهانی نیز هست. از این رو در کشوری چون آمریکا که درون خود تا حد زیادی امکان رقابت به احزاب گوناگون می‌داد و آزادی در بیان عقاید وجود داشت و هنوز هم هست — به‌رغم همه سلطه‌گری‌هایش در سطح بین‌المللی و همه جنایات و توطئه‌هایش علیه سایر کشورهای جهان از جمله ایران در دوران دولت دموکراتیک دکتر محمد مصدق — شعار «فاشیست» بیشتر شعاری ایدئولوژیک و چپ‌گرایانه می‌آمد تا احتمالی که حتی بتوان به آن نزدیک شد. تا پیش از ترامپ، بدترین دوره‌هایی که آمریکا به این گونه رویکرد نزدیک شده بود یکی در دوره مک‌کارتیسم^۱ بود و دیگری در دهه ۱۹۶۰ و تنش‌های ضدجنگ ویتنام و در نهایت ریاست جمهوری ریچارد نیکسون^۲ که با استعفایش، پیش از آنکه استیضاح او رسمی شود، به پایان رسید. اما پیش از روی کار آمدن ترامپ، که کسی باوری به ممکن بودن آن نداشت، این واژه به تدریج کاربردهای بیشتر و بیشتری در رسانه‌های آمریکایی پیدا کرد و در طول چهار سال ریاست جمهوری‌اش به امری «متعارف» تبدیل شد؛ «خطر فاشیسم»، «از میان رفتن دموکراسی در آمریکا»، «از میان رفتن ایده آمریکا» و اصطلاحاتی مشابه دائماً بیشتر و بیشتر شدند. آمریکا در این چهار سال به شدت از متحدان همیشگی‌اش فاصله گرفت، از پیمان‌های بین‌المللی خارج شد، عرصه را برای دشمنانش باز کرد و با شبیه تر شدن به دولت‌های توتالیتار، این اعمال سبب شد در نقاط مختلف جهان دولت‌های مدل ترامپ روی کار بیایند. امروز آمریکا در سخت‌ترین تجربه کل تاریخش است، چه از لحاظ فشار بیماری کرونا و چه در بحران‌گذار از حکومت شکست‌خورده دونالد ترامپ به حکومت جدید جو بایدن^۳. و همچنین هنوز بیم این می‌رود که شاید در آخرین لحظات اتفاقی بیفتد و یا حتی به دلیل جریان‌هایی که ترامپ به راه انداخته

۱. McCarthyism؛ اصطلاحی است برای اشاره به فعالیت‌های ضدکمونیست سناتور جوزف مک‌کارتی در آغاز دوره جنگ سرد. و.

2. Richard Nixon

3. Joe Biden

است، پس از خروجش از کاخ سفید، تنش و دوقطبی شدن شدید در کشور همچنان باقی بماند و شاید چهار سال دیگر ترامپ باز تلاش کند تا به قدرت بازگردد. نزدیک به ۷۵ میلیون نفر در امریکا به ترامپ رأی دادند که رکوردی در تاریخ انتخابات امریکاست و تنها با رکورد تاریخی بایدن با بیش از ۸۰ میلیون قابل مقایسه است. اما اینکه بیش از ۷۰ میلیون نفر در پیشرفته‌ترین کشور جهان از ایده‌هایی که به زعم کسانی فاشیستی و زن‌ستیزانه به نظر می‌رسد و عملکردی که شاید در بخش‌هایی از آن فساد هم به چشم بخورد، دفاع می‌کنند، امری حاد و تأمل‌برانگیز است. حزب جمهوری‌خواه در سکوتی مطلق و در انزوای سیاسی شاهد نابودی خود است تا زمانی که حزبی با کیش شخصیتی ترامپ جایگزین شود، اتفاقی که به‌خودی‌خود نگران‌کننده است این نگرانی به دلیل اینکه در سایر نقاط جهان لزوماً وضعیت بهتری وجود دارد نیست، بلکه از این‌روست که امریکا بزرگ‌ترین تجمع ثروت، قدرت، علم و فرهنگ در تاریخ بشریت را فراهم آورده و سرنوشت امریکا در سایر نقاط جهان تأثیری سخت داشته و خواهد داشت. از این‌رو نگارنده از ابتدای به حکومت رسیدن ترامپ موضوع را از نزدیک دنبال کرده و این در ادامه توجهی بود که پیش از آن به امریکا در انتهای دوره بوش و کل دوره اوباما^۱ داشت؛ توجهی که به‌طور خاص به تأثیر وضعیت حکومت و حاکمان این کشور بر زندگی و آینده ما داشت و دارد. این کتاب نیز حاصل این کار چندین‌ساله است که از طریق نوشتارهایی تقریباً منظم بر خط میر سیاسی این سال‌ها گردآوری و تدوین شده است.

چند ماه پس از به قدرت رسیدن ترامپ، شگفتی و حیرت‌زدگی تقریباً همه روشنفکران و دانشگاهیان و خبرنگاران امریکا آغاز شد. به‌جز یکی از دانشگاهیان، آلن لیچمن^۲ (براساس یک مدل با سیزده شاخص)، هیچ‌کسی باور نداشت او به پیروزی برسد. و دلیل اصلی این پیروزی نیز سیستم انتخاباتی الکترال کالج بود، به‌رغم رأی بالاتر کلینتون (سه میلیون بیشتر از ترامپ). بررسی‌های بازرس ویژه،

1. Barack Obama

2. Allan Lichtman

رابرت مولر^۱، و گزارش کمیته ویژه سنای امریکا، که در تاریخ ۲۲ مارس ۲۰۱۹ به دادستان کل امریکا، ویلیام بار^۲، ارائه شد، و سپس در کنگره این کشور به استیضاح ترامپ در تاریخ هجدهم دسامبر همین سال انجامید (که مجلس سنا زیر کنترل جمهوری خواهان در پنجم فوریه ۲۰۲۰ او را تبرئه کرد) نشان دادند که سیستم‌های اطلاعاتی روسیه به صورت گسترده‌ای در این انتخابات دخالت کرده بودند و همین سبب شد که برخلاف تصور همه ترامپ به قدرت برسد.

با وجود این، باورناپذیری بیشتر دانشگاهیان و روشنفکران و متخصصان برای این بود که می‌دانستند با وضعیت امریکا در جهان و مشکلات و گسل‌های گوناگونی که این جامعه دارد (تبعیض نژادی، عقب ماندگی سیستم‌های بهداشت عمومی و غیره) روی کار آمدن فردی خارج از «سیستم»^۳ فاجعه بزرگی برای این کشور خواهد بود. اما اشتباه آن‌ها در این بود که نمی‌توانستند شکاف اساسی این جامعه را میان نخبگان آن (شهروندان دو کرانه شرقی و غربی با تکرر فرهنگی و سرمایه بالای فرهنگی) با مردمان کم‌فرهنگ و بی‌خبر و ساده‌ایالات کم‌جمعیت و اغلب روستایی میانه امریکل و سرخوردگی سفیدپوستان بدون تحصیلات دانشگاهی در ایالتی چون میشیگان و ویسکانسین، که شاهد سقوط قدرت اقتصادی و کنار گذاشته شدن از جامعه بودند، تشخیص دهند. آن‌ها باور داشتند سواد رسانه‌ای، که این نخبگان از آن برخوردارند، به گونه‌ای از خلال رسانه‌های پُربازدید سرریز می‌کند و به آن گروه‌ها نیز می‌رسد، و به این اسطوره هنوز کاملاً رایج باور داشتند که علم خود را در جامعه‌ای مثل امریکا (یکی از مذهبی‌ترین کشورهای پیشرفته) به تثبیت رسانده و بنابراین نوعی پراگماتیسم علمی در این جامعه مورد اجماع است. نکته دیگر نیز در آن بود که هیچ‌کس تصور نمی‌کرد حزب جمهوری خواه با ایستادن پشت سر چنین فردی که با معیارهای این

1. Robert Muller

2. William Barr

3. establishment

کشور «غیرامریکایی»^۱ بود تا حد خودکشی خود پیش برود و به حزبی مبتنی بر «کیش شخصیت» ترامپ تبدیل شود، آن هم صرفاً برای رسیدن به اهداف کوتاه و میان مدت نظیر کاهش‌های مالیاتی برای ثروتمندان و بالا بردن نفوذشان در دستگاه قضایی امریکا.

اما قدم به قدم مشخص شد که دقیقاً به دلیل آنکه ترامپ نمی‌تواند یا نمی‌خواهد دنیای خیالی رئالیستی شوهای تلویزیونی خود را به سود یک ریاست‌جمهوری «متعارف» ترک کند، فاجعه‌ای اساسی برای حزب آغاز شد. فاجعه‌ای که ما پیش از آن در سال‌هایی نه‌چندان دور — البته در ابعادی بسیار کوچک‌تر — در دوره ریاست‌جمهوری نیکلا سارکوزی^۲ شاهد آن بودیم که بلاهت و فساد او ائتلاف احزاب گلیست^۳ را به نابودی کشاند. در فرانسه گلیست‌ها به چنان بن‌بستی رسیدند که هنوز بعد از گذشت ده سال نتوانسته‌اند به گذشته طلایی خود در دوره شارل دوگل^۴ یا حتی ژرژ پمپیدو^۵، والری ژیسکار دستن^۶ و ژاک شیراک^۷ برگردند. در امریکای سال‌های ترامپ^۸ و امروز پس از او، دو روایت متضاد در برابر هم قرار می‌گیرند: روایتی خوش‌بینانه مبتنی بر آنکه «ترامپسم» پدیده‌ای موقتی و نوعی انحراف ماسین از جاده بود و البته با هزینه‌هایی نه‌چندان سبک می‌توان در مدت ۴ یا ۸ سال به موقعیت «عادی» در ۲۰۱۶ و در سطح ملی و جهانی بازگشت. ترامپ «فاجعه‌ای تصادفی» بود که ریشه‌اش را باید در حرص و آز جمهوری خواهان جست. پدیده‌ای نادر که به‌زودی به خاطره‌ای دوردست و تلخ در تاریخ امریکا تبدیل می‌شود. در مقابل گروه نخست، گروه دیگری بودند و هستند

1. un-American

2. Reality Shows

3. Nicolas Sarkozy

۴. احزابی که پیرو گلیسم هستند؛ فلسفه‌ای سیاسی برگرفته از عقاید شارل دوگل. اصول سیاسی گلیسم عبارت است از ایجاد و حفظ دولتی متمرکز و نیرومند و بی‌میل به پذیرفتن تعهدات بین‌المللی به زیان منافع ملی — و.

5. Charles de Gaulle

6. Georges Pompidou

7. Valery Giscard d'Estaing

8. Jacques Chirac